



Anadolu

# اتکای صرف به قدرت فناوری؛ نقطه ضعف اساسی رژیم صهیونیستی

## اسرائیل به همان اندازه که دست برتر در حوزه تکنولوژی جنگی دارد به همان اندازه دست پایین را در روحیه جنگی دارد

### یادداشت تحلیلی

هادی معصومی زارع



غلبه بر اسرائیل، مستلزم ایستادن بر لبه تکنولوژی و نیز تقویت روحیه مقاومت و صبر است. به دلیل نابرابری و نبود توازن تکنولوژیک میان طرفین، به طور طبیعی نسبت خسارت‌ها و تلفات همواره به زیان طرف مقاومت است. با این حال، توقع پاسخی قاطع و بازدارنده و البته قابل استناد به حملات و ترورهای رژیم داشته‌اند که به نظر می‌رسد این چشمداشت پاسخ داده نشده است.

حملات اسرائیل به مواضع نظامی ایران و نیز ترور رهبران مقاومت امر نوپدیدی نیست. با یک بررسی اجمالی می‌توان از نخستین روز مواجهه جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل تاکنون، موارد متعددی از این ترورها و حملات را فهرست کرد. حمله به پایگاه جنتا در سال‌های میانی دهه شصت که به شهادت بیش از ۱۶ نیروی سپاه انجامید. (عددی بیشتر از مجموع مستشاران شهید ایرانی در سوریه در خلال یک دهه گذشته)، ترور ناموفق علی اکبر محتشمی پور سفیر وقت ایران در سوریه، ترور شیخ رابع حرب، سیدعباس موسوی، فتی شقایق، عبدالعزیز رنتیسی، خالد مشعل، یحیی عیاش، شیخ احمد یاسین، محمود العجوش، عماد مغنیه و... بخشی از خروجی ماشین ترور این رژیم در چهار دهه گذشته بوده است.

آن چه تفاوت کرده است، نخست نقش رسانه‌ها در ضریب دادن به این ترورها و آگاه‌سازی مردم از جزئیات رویارویی چهار دهه‌ای میان طرفین و دیگری وقوع برخی از این ترورها و خرابکاری‌ها در قلمروی سرزمینی ایران بوده است. این دو وجه تمایز منجر به تبدیل شدن این ترورها و حملات به «مسأله» افکار عمومی ایران شده است. در خلال چندساله اخیر و بویژه پس از ترور سردار سلیمانی، احساس عدم پاسخ متوازن از سوی جمهوری اسلامی ایران، دوز بالای حس تحقیر و سرشکستگی را در رگ‌رگ نخبگان و توده تریز کرده است. این حس بویژه با وعده‌های مکرر، علنی و آشکار انتقام از سوی برخی مسئولان سیاسی و امنیتی و مشاهده نشدن پاسخ «قابل استناد» یا «متناسب» از سوی جمهوری

اسلامی ایران تشدید شده و از قضا سرخوردگی بیشتری را در پی داشته است. بسیاری از مردم و نخبگان در این سال‌ها، توقع پاسخی قاطع و بازدارنده و البته قابل استناد به حملات و ترورهای رژیم داشته‌اند که به نظر می‌رسد این چشمداشت پاسخ داده نشده است.

### ساقط کردن اسرائیل صرفاً راه‌حل نظامی ندارد

صریح باشیم. مأموریت ما در قبال فلسطین در تمام این چند دهه حکمای دهه‌های پیش رو، تنها مشغول‌سازی و ممانعت از عادی شدن وضعیت رژیم مبتنی بر این محور و با شناخت ظرفیت‌های کنونی، کسی برای خود مأموریت انحصاری برای بازپس‌گیری فلسطین و زائل‌سازی یک‌تنه اسرائیل تعریف نکرده است. آن چه دربارہ زوال اسرائیل گفته و شنیده می‌شود، افق و آرمانی بلندمدت است و نه مأموریت عملیاتی بالفعل در بازه زمانی کوتاه مدت کنونی. همچنین میان گفتمان‌سازی و کنش‌ورزی میدانی تمایزها و حد و مرزهایی

در حال حاضر و با فقدان موازنه تکنولوژیک موجود، ساقط‌سازی اسرائیل راه‌حل صرفاً نظامی ندارد. این اتفاق تنها زمانی رقم خواهد خورد که از طرفی معادلات منطقه‌ای متفاوت از این شود و جبهه‌های جدیدی نیز علیه رژیم باز شود و از طرفی دیگر، وضعیت داخلی رژیم نیز تحت الشعاع شکاف‌های مختلف به نقطه فرسایش کامل رسیده باشد. به گونه‌ای که حمایت بیرونی نیز قدرت نگهداشت این حجم از تناقض و تناظر را در کنار یکدیگر نداشته باشد. بی‌هیچ تعارفی، این وضعیت ممکن است به چنددهه دیگر زمان نیاز داشته باشد. آن چه در یک معرکه مهم است، نگاه برابری است و نه نقطه به نقطه.

غلبه بر اسرائیل، مستلزم ایستادن بر لبه تکنولوژی و نیز تقویت روحیه مقاومت و صبر است. به دلیل

نابرابری و نبود توازن تکنولوژیک میان طرفین، به طور طبیعی نسبت خسارت‌ها و تلفات همواره به زیان طرف مقاومت است. با این حال، شکست یا پیروزی صرفاً با هزینه‌های انسانی و مادی سنجیده نمی‌شود. معیار اساسی پیروزی، موفقیت هر یک از طرفین در ممانعت از تحقق هدف دیگری است. با این معیار، پیروزی مقاومت در این چنددهه، نفس بقا و موفقیت در ممانعت از عادی‌شدن وضعیت رژیم اسرائیل است، ولو با تحمل هزینه‌های گزاف. پیروزی مقاومت نه ضرورتاً در شکست رژیم در معنی کلاسیک و نظامی آن که در ممانعت از عادی‌شدن «قضیه» آن را دنبال کرده است.

### از پرتاب سنگ تا پرتاب موشک

دقت شود که این فقدان توازن تکنولوژیک مسأله نوظهوری نیست. در تمام این چنددهه و در نقطه به نقطه این نبرد، شکاف تکنولوژیک میان دو طرف وجود داشته و با توجه به شرایط متفاوت طرفین، توقع توازن تکنولوژیک و سخت‌افزاری، از اساس واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد.

با این حال نباید فراموش کرد که در دهه‌های قبل، این موازنه برای طرف مقاومت، به مراتب منفی‌تر از وضعیت کنونی بود. چهل سال پس از نقطه شروع، گروه‌های فلسطینی از سنگ به موشک و حزب‌الله از کلاشینکف و راکت‌انداز سبک و بمب‌ها از پای برهنه به موشک‌های بالستیک و کروز و پهپادهای شناسایی و انتحاری رسیده‌اند. این سلاح‌ها اگر چه «برتری کیفی حتمی» بر جنگ‌افزار اسرائیل ندارند اما هدف نهایی خود را تا اندازه زیادی محقق می‌سازند و در برهه کنونی، همین اندازه نیز کافی و مؤثر است.

پیروزی یک پهپاد و موشک همیشه به اصابت آن نیست. در پاره‌ای از موارد به اصابت و در پاره‌ای دیگر به اصابت نکردن آن است. معیار اساسی برای قضاوت، هزینه‌هایی است که به طرف مقابل تحمیل



پیروزی- شکست و برنده-بازنده نهایی نه در نقطه نهایی یک نبرد مشخص می‌شود.

موفقیت‌های اخیر اسرائیل در قبال ایران به معنای آن نیست که جنگ چهار ساله به سود این رژیم در حال پایان یافتن است. بی‌هیچ مجامله‌ای در چهار دهه گذشته ابتکار عمل در اختیار مقاومت بوده است.

مقاومت در اختیار است.

است

دست پایین را نیز در روحیه جنگی دارد. برای همین است که مدام که صحبت از آسیب زدن به طرف مقابل است، به لطف زرادخانه‌های پایان‌ناپذیر تسلیحاتی اهدایی غرب، با دست‌باز و سخاوتمندانه عمل می‌کند. اما همین که سخن به عملیات میدانی می‌رسد، قافیه را سریع می‌بازد. راز موفقیت نداشتن رژیم در عملیات‌های زمینی بلندمدت در همین ضعف روح و آستانه تحمل در ارتش و جامعه اسرائیل است.

پیروزی- شکست و برنده-بازنده نهایی نه در میانه که در نقطه نهایی یک نبرد مشخص می‌شود.

موفقیت‌های اخیر اسرائیل در قبال ایران به معنای آن نیست که جنگ چهار ساله به سود این رژیم در حال پایان یافتن است. بی‌هیچ مجامله‌ای در چهار دهه گذشته ابتکار عمل در اختیار مقاومت بوده است.

است

موفقیت‌های اخیر اسرائیل در قبال ایران به معنای آن نیست که جنگ چهار ساله به سود این رژیم در حال پایان یافتن است. بی‌هیچ مجامله‌ای در چهار دهه گذشته ابتکار عمل در اختیار مقاومت بوده است. اما همین که سخن به عملیات میدانی می‌رسد، قافیه را سریع می‌بازد. راز موفقیت نداشتن رژیم در عملیات‌های زمینی بلندمدت در همین ضعف روح و آستانه تحمل در ارتش و جامعه اسرائیل است.

موفقیت‌های اخیر اسرائیل در قبال ایران به معنای آن نیست که جنگ چهار ساله به سود این رژیم در حال پایان یافتن است. بی‌هیچ مجامله‌ای در چهار دهه گذشته ابتکار عمل در اختیار مقاومت بوده است.

است

و البته دردناکی به ایران است. به طور طبیعی این پاسخ‌ها اگر چه همزمان در ذات خود، نوعی واکنش به موفقیت کلان پروژه مقاومت است اما در صورت متوقف نساختن رویه جدید، می‌تواند موازنه را تا اندازه زیادی به سود رژیم تغییر دهد. خلاصه کلام آن است که نادیده گرفتن تهدید و تغییر موازنه به همان اندازه ساده‌لوحی است که پاس محور و ناامیدی و تصور شکست محور مقاومت به دلیل چند ترور و ضربه، ساده‌سازی است. جنگ، امری ایستا نیست، پویا و ادامه‌دار است و فراز و نشیب دارد. مهم آن است که در طول زمان و در افق بلندمدت نوک پیکان نمودار به سود نیروی خودی رو به صعود باشد. نزول مقطعی نوک پیکان نمودار، امری طبیعی است و فی‌نفسه نگران‌کننده نیست.

همان‌طور که نباید ساده‌اندیشی کرد و دشمن را ضعیف پنداشت، در قدرت و هیمنه دشمن نیز نباید اغراق کرد. چنین اغراقی منجر به ارباب قوه عاقله خودی و در نهایت فلج سامانه‌های ادراکی و عصبی آن خواهد شد. اگر واقع‌بینانه به ماجرا بنگریم، نفس حضور چنددهه‌ای ایران در لبنان، سوریه و فلسطین و توسعه این حضور و محاصره رژیم از مرزهای شمالی و جنوبی یک پیروزی اساسی است. بدیهی است که اقدامات فعلی اسرائیل، تلافی و نوعی دست‌وپا زدن برای ممانعت از فشار بیشتر از سوی ایران است. ترور دانشمندان و حمله به مراکز هسته‌ای و نظامی در بطن خود، نشان‌دهنده پیشرفت‌های علمی نگران‌کننده ایران است.

به موازات این، توفیق ایرانی‌ها در جذب جاسوسانی در رده وزیر یا ماجرای شبکه رامبد نیز می‌بایست محل توجه باشد. همچنین موفقیت در برساختن هسته‌های مقاومت در کرانه باختری و خلق ثامن جدی در سه ساله گذشته در این منطقه، به طور مستقیم حاصل تلاش‌های اطلاعاتی ایران و برخی فرماندهان فلسطینی و در رأس آنها شهید صالح العاروری بود. اگرچه می‌بایست مراقب دستاوردهای امنیتی رژیم و نیز آتش‌سوزی‌های مکرر در تأسیسات نظامی آن‌ها در سالیان گذشته را نمی‌توان همگی برآمده از صدفه و حادثه قلمداد کرد.



برش

پیروزی یک پهپاد و موشک همیشه به اصابت آن نیست. در پاره‌ای از موارد به اصابت و در پاره‌ای دیگر به اصابت نکردن آن است. معیار اساسی برای قضاوت، هزینه‌هایی است که به طرف مقابل تحمیل می‌شود. به طور طبیعی، این هزینه‌ها متناسب با حجم و اندازه داشته‌های موردتهدید طرف هدف می‌بایست محاسبه شود. نگاه به وضعیت اقتصادی رژیم و تعطیلی بندر ایلات و فعالیت‌های اقتصادی و زندگی در غلاف غزه و مرزهای شمالی فلسطین، به خوبی گویای تأثیر نسبی همین تکنولوژی موجود و در دسترس مقاومت است، بی‌آن که اصابت مؤثری، گزارش شود. فراموش نشود که بخش اعظم موشک‌ها و پهپادهای مینی در کشاکش جنگ یمن نیز مورد رهگیری سعودی قرار گرفت. اما بی‌ثباتی و نگرانی ناشی از نفس حملات، در نهایت سعودی‌ها را وادار به کرنش و پذیرش بخش مهمی از خواسته‌های حوثی‌های یمن کرد

با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران دیده خواهید شد

خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

ایران مزایده فرارخوان



ایران